

دیوید دمراش



# ادبیات جهان را چگونه بخوانیم

ترجمه‌ی شبنم بزرگی

ناشر: انتشارات نیلوفر  
چاپ: اول، بهمن ۱۳۸۵  
مطبع: چاپخانه نیلوفر

## فهرست

۹	مقدمه‌ی مترجم
۱۱	سپاس‌گزاری
۱۳	مقدمه
۲۱	فصل اول: «ادبیات» چیست؟
۴۷	فصل دوم: خواندن در گذر زمان
۷۹	فصل سوم: خواندن در گذر فرهنگ
۱۰۷	فصل چهارم: خواندن ترجمه
۱۳۵	فصل پنجم: گذر از مرزها
۱۶۳	فصل ششم: جهانی شدن
۱۹۳	سخن آخر: فراتر رفتن
۲۰۱	منابع
۲۰۷	نمایه

## فصل اول

### «ادبیات» چیست؟

نخستین چالش خواندن ادبیات جهان این است که خود ایده‌ی ادبیات طی قرن‌های متمادی و در جای‌جای دنیا معناهای گوناگونی داشته است. حتی در جهان انگلیسی‌زبان امروز، این لغت می‌تواند بسیار گسترده یا برعکس، محدود به کار برود. در متداول‌ترین کاربرد آن، ادبیات به‌سادگی به معنای هر چیزی است که «مکتوب می‌شود»؛ در حقیقت، هر گونه‌ای از متن. وقتی پس از یک حادثه در اسکی، توی اتاق معاینه جراح‌تان می‌گوید: «جلوتر از متون روز در زمینه‌ی شکستگی‌های مرمکب ایستاده‌ام.» منظورش اسناد و مدارک پزشکی است نه رمان‌های توماس مان. در معنای فرهنگی آن، «ادبیات» پیش از هر چیز به شعرها، نمایش‌نامه‌ها و داستان‌ها اشاره دارد، یعنی آثاری مبتنی بر تخیل خلاق که به زبانی فاخر و لذت‌بخش نوشته شده‌اند. اما حتی در چنین معنای خاص و متمرکزی، مرزهای ادبیات هنوز واضح نیست. خوانندگان اغلب بخشی از شعرها و رمان‌ها را تحت عنوان ادبیات می‌پذیرند که مثلاً مشتمل است بر آثار ویرجینیا وولف، اما رمانس‌های هارلکویین<sup>۱</sup> یا تریلرهای استفان کینگ را زوائد شبه‌ادبیات می‌دانند.

۱. Harlequin؛ یا رنگی‌پوش یکی از شخصیت‌ها در نمایش‌های کم‌دیا لارته (Comedia dell' arte؛ چیزی شبیه تخت‌حوضی) در ایتالیا است که به قرن پانزدهم میلادی برمی‌گردد و بعدها در اروپا مفهوم دلقک از آن پدید آمد. رنگی‌پوش، مرد جوان شوخ‌وشنگی است که حرکات آکروباتیک انجام می‌دهد.

رنگ‌ها [زنگوله‌ها] یا ترانه‌های تبلیغاتی، اگرچه شکل بسیار موجزی از شعر ارائه می‌دهند، به‌ندرت بخشی از ادبیات قلمداد می‌شوند.

ادبیات جدی و هنرمندانه، زیر عنوان آثار ادبی<sup>۱</sup> مطرح می‌شوند، ترکیبی که بیش‌تر به زیبایی زبان اهمیت می‌دهد، نه ارزش کاربردی یا اظهارات مستقیم آن. از طرف دیگر قرار نیست به یک رنگ تبلیغاتی به واسطه‌ی زیبایی‌اش توجه شود، چرا که ضرباهنگ و قافیه‌ی آن صرفاً ابزاری است که کمک می‌کند پیامش در ذهن شما جا بگیرد تا به یاد داشته باشید از آن خمیردندان با نشان تجاری خاص بخرید. هر چند حتی در معنای اثر ادبی نیز ادبیات می‌تواند از نظر گستردگی مدارج گوناگونی داشته باشد. مقاله‌نویس بزرگی مانند میشل دو مونتئی<sup>۲</sup> و عالمان سخنوری نظیر چارلز داروین و زیگموند فروید، ارزش بی‌شماری قابل‌اند برای خواننده‌ای که به زبان، چیدمان نظریه‌ها و روایت در آثارشان توجهی خاص داشته باشد. در واقع فروید در آلمان برنده‌ی جایزه‌ی ادبی پیشرو نشان‌گوته شده است، به پاس هنر موجود در مقالات و سرگذشت‌شناسی‌اش، و اغلب در مباحث ادبی، به او کنار پروست و کافکا و وولف می‌اندیشند.

در قرون هجدهم و نوزدهم، مرزهای ادبیات نسبتاً گسترده بود و اگرچه در نیمه‌ی نخست قرن بیستم این مرزها شکسته شدند، بار دیگر در چند دهه‌ی اخیر به تدریج گسترش یافته‌اند. حالا دیگر گزیده‌های ادبی به موازات شعرها، نمایش‌نامه‌ها و داستان‌ها، همواره متون مذهبی، فلسفی، مقالات، شرح‌حال‌ها و نمونه‌های غیرداستانی را نیز در بر می‌گیرند. ادبیات حتی از معنای بنیادین «متن مکتوب» فراتر رفته و قطعات منظوم شفاهی شاعران عامی را نیز در بر می‌گیرد. اگرچه دیالوگ تنها بخشی از اثر هنری است و اغلب نه حتی مهم‌ترین بخش آن، این روزها فیلم‌ها هم از برنامه‌های درسی دوره‌های ادبی سر درآورده‌اند. به همین ترتیب فیلم‌های امروز نیز بیش‌تر آن لذتی را که زمانی رمان‌ها به خوانندگان قرن نوزدهم می‌بخشیدند

1. belles-letters

۲. Michel de Montaigne: نویسنده و فیلسوف تأثیرگذار دوره‌ی رنسانس در فرانسه.

به مخاطب خود می‌بخشند و «ادبیات» می‌تواند در معنای گسترده‌ی آن آثار روایی سینمایی را نیز به‌شایستگی شامل شود.

بسیاری از فرهنگ‌ها میان ادبیات مبتنی بر تخیل و سایر گونه‌های نوشتار تمایز بارزی نگذاشته‌اند. اثر ادبی می‌تواند برگردان خوبی باشد برای واژه‌ی کهن مصری کلام زیبا<sup>۱</sup>، اما کلام زیبا می‌تواند به هر قطعه‌ی ادبی ارزشمند و فصیحی اطلاق شود؛ چه شعر باشد، چه قصه، مناظره‌های فلسفی یا خطابه‌های سیاسی. واژه‌ی چینی وِن<sup>۲</sup>، اگر به شعر و نثر ادبی اشاره داشته باشد، معادل واژه‌ی «ادبیات» قرار داده می‌شود، اما این واژه مجموعه‌ی وسیع معناها از جمله الگو، چینش و تناسب را نیز شامل می‌شود. با علم به این تفاوت لازم است خود را برای خواندن آثار گوناگون با خواسته‌های مختلف آماده کنیم. از تأثیر بازمانده‌ی آشویتس اثر پریمولوی<sup>۳</sup>، چیزی باقی نمی‌ماند اگر روزی محرز شود آشویتسی در کار نبوده یا لوی هرگز به آن‌جا پا نگذاشته است، در حالی که برای خوانندگان دکامرون<sup>۴</sup> بوکاجیو اهمیت چندانی ندارد که واقعاً طاعونی به فلورانس زده است تا مردم را وادارد از شهر به حومه فرار کنند و برای هم قصه‌های هزل‌آمیز بگویند یا نه.

در حصار یک فرهنگ ادبی مفروض، نویسندگان و خوانندگان وجوه مشترکی دارند در خواسته و توقع‌شان از متن، و این که چه‌طور انواع قطعه‌های ادبی را بخوانند. خوانندگان حرفه‌ای می‌توانند در یک اثر به گونه‌ای نقب بزنند که همه به معنایی مشترک از آن برسند. شاید منقدان یک کتاب تاریخی محبوب را به دلیل «کشش رمان‌گونه» اش تقدیر کنند اما هنوز انتظار می‌رود تمام اتفاقات چنین کتابی موثق به منابعی باشد که تاریخ‌نگار خوانده، نه این که خودش ساخته است. در مقابل آن، خورخه لوییس بورخس آرژانتینی مشهور است به خلق «داستان‌ها»یی که اغلب گزارش‌هایی سنجیده و فاضلانه به نظر می‌رسند، اما خواننده خیلی زود پی می‌برد که

1. medet nefret

2. wen

3. Primo Levi

۴. *The Decameron*: اثر ایتالیایی قرن چهاردهم که شامل صد داستان به سبک هزار و یک شب است.